شهرآرا
روزنامه
شهرامید
وزندگی
اشنبه
۲۶ بهمن ۱۳۹۹
۲ رجب ۱۴۴۲
شماره ۳۳۲۳
SHAHRARANEWS.IR

روایت روز

حیات «حیاتی» بی «صدا»، بی «سیما»

گوینده باسابقه خبر این روزها به فعالیت در دنیای مجازی رو آورده است

محبوبه عظیم‌زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

پس از ۳۴سال فعالیت مداوم، از اول تیر ۱۳۹۴ دیگر کارمند رسمی صداوسیما نبود و بازنشسته شد. موعدی که البته چندسال قبل به سرآمده بود، اما مسبب این نشد که او دیگر روی آنتن صداوسیما نرود، رأس ساعت ۲ پشت تریبون شبکه یک سیما قرار نگیرد و برایمان اخبار نخواند. فعالیت او در سازمان صداوسیما تمدید می شد و طبق گفته های خودش با نظر رئیس سازمان قرار شد کسانی که بازنشست می شوند، با داشتن شرایط همکاری، به همکاری با صداوسیما ادامه دهند. این شد که محمدرضا حیاتی به‌لحاظ اداری بازنشست شد، اما همچنان به کار گویندگی خبر در صداوسیما مشغول بود. اوایل سال ۹۹ اما ورق برگشت. او به‌دنبال اظهارنظری در یک مصاحبه اینترنتی که در آن از ارادات و علاقه خودش به یکی از خوانندههای آن ور آبی صحبت کرد، تمام‌وکمال از صداوسیما کنار گذاشته شد و این مرتبه دست و حسابی بازنشسته شد! حالا او که در این مدت به فعالیت در فضای مجازی رو آورده بود، در پخش زنده‌ای که با داریوش فرضیایی یا همان عموپورنگ داشت، دوباره از این اتفاق یاد کرد و درواقع بهتر است بگوییم سر درددلش باز شد و گله کرد.

کاش محترمانه‌تر برخورد می‌کردند

حیاتی در پخش زنده خودش با داریوش فرضیایی (عموپورنگ) دوباره فرصت را مغتنم شمرد و از کنارگذاشتن ناگهانی‌اش از صداوسیما صحبت کرد. او پیش از این در زمان وقوع این اتفاق گفته بود: «مطالبی بیان شد که شاید از نظر عده‌ای جالب نبود و باعث شد همکاری‌ام با صداوسیما مدتی قطع شود. از طرف مدیران با من تماس گرفتند و گفتند شما نباشید. من هم گفتم چشم. من ۵سال پیش بازنشسته شدم و حالا اگر شما می گویید نباشم می پذیرم.» بااین حال، به‌ظاهر این روش برکناری، آن‌هم بعد از مدت‌ها مجریگری و گویندگی، همچنان برای او تلخ و دوست‌نداشتنی است که دوباره به آن اشاره کرده است: «من توقع نداشتم وقتی بازنشسته شدم به‌طرز ویژه‌ای با من برخورد شود، اما به‌طبع کسی که علاقه‌مند به رسانه است، اگر زمانی هم قرار است کنار برود، باید مقداری محترمانه‌تر برود.» این اتفاق همان زمان هم باعث شد کاربران در فضای مجازی واکنش‌هایی نشان دهند. عده‌ای معتقد بودند کسی که دارد در صداوسیما کار می کند، به‌هرحال باید خط قرمزها و بایدهاونبایدهای آن را رعایت کند و کاربران زیادی هم معتقد بودند این طرز برخورد محترمانه و درست نبوده است: «کاش دست کم به احترام همه این سال های حضورش درصدا و سیما به‌دلیل یه حرف کوچک این‌طوری عذرش رو نمی‌خواستین.»

از تریبون شبکه یک تا تبلیغات پوشاک

هرچه پیش از این در فضای مجازی حضور نداشت، بعد از کنارگذاشته شدن از صداوسیما انتخاب کرد تا در صفحات مجازی مقابل دید همگان باشد. صفحه اینستاگرام برای خودش راه انداخت و با همان لحن خشک و خبری‌اش از مردم خواست صفحه‌اش را دنبال کنند. نکته‌ای که خودش هم به آن اذعان کرد: «قبل‌تر حتی در فضای مجازی هم فعال نبودم. قبل از اینکه بیایم، چندین صفحه به اسم من بود که اصلا متعلق به من نبود.» حالا ولی خودش می گوید به‌علت علاقه‌اش به خبر، سعی می کند اخبار مهم کشور و دنیا را در حد چنددقیقه برای مخاطبانش بخواند. بااین حال حضور او در فضای مجازی در حد همین دنبال کردن علایق و خبرخواندن نبود و جو پرحاشیه‌ای که در این فضا حاکم است، بر او هم غلبه کرد. حیاتی اگر پیش از این و در زمان حضور در صداوسیما، با «به‌پایتخت سفر قطر کرد» یا «نشستن روی اره» سوژه می شد، این‌بار با تبلیغ برای یک برند پوشاک خودش را سر زبان‌ها انداخت. اتفاقی که خودش هم اعتراف کرد انتخاب خوبی برایش نبوده و باید محتاط‌تر در این مسیر قدم برمی‌داشته است: «برخی تبلیغات را نباید قبول می کردم و از لحاظ وجهه کاری در مکانی بودم که باید چیزهایی را رعایت می کردم. سعی می کنم از این پس با درایت بیشتری این کار را بکنم و با شرکت‌های معتبر که خدمت‌رسانی می کنند همکاری کنم و در خدمت تولیدکنندگان و کارآفرینان باشم.»

من از ایران نرفته‌ام

تبلیغ محمدرضا حیاتی در صفحات اینستاگرام، واکنش خوب مردم را به‌دنبال نداشت. درواقع برای مردمی که همیشه او را با یک لحن جدی و حین خواندن اخبار مختلف دیده بودند، باورپذیر و جذاب هم نبود و رنگ‌ولعاب تبلیغاتی و جذابی را هم عاید آن برند نکرده بود. همان موقع کاربران در فضای مجازی هم با بیان های مختلف به این نکته اشاره کرده بودند: «حیاتی نماد اخبار در مملکت ما بود. چرا گذاشتین شأن این آدم تا حد ضبط استوری تبلیغاتی پایین بیاد؟» و کاربر دیگری هم نوشته بود: «او باید قدر جایگاهش رو می دونست و با این سرعت تصمیم عجولانه‌ای نمی گرفت، اون هم برای یک صفحه اینستاگرامی.» لابه‌لای همه این اتفاقات، حاشیه‌های دیگری هم بود که دامن حیاتی را گرفت که یکی از آن‌ها خبر مهاجرت او از ایران بود که بازهم واکنش‌برانگیز بود و دست بر قضا در لایو خود با داریوش فرضیایی هم به آن اشاره کرد. او که پیش از این هم در مصاحبه‌ای دیگر گفته بود اگر می‌خواستم از ایران بروم، سال های قبل این کار را می کردم، گفت: «شایعاتی در فضای مجازی منتشر شده بود که من از ایران رفته‌ام. من الان هم بیش از یک سال است که داخل ایران مسافرت نرفته‌ام و در کشور عزیزمان ایران و در تهران هستم.» و درنهایت دوباره یادآوری این نکته که: «اکنون در فضای مجازی مشغول به کار هستم.»

Tweets

محمدرضا زائری | فعال فرهنگی
@MorzaeriZaeri

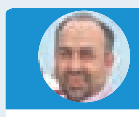

بچه گرسنه درکنار سفره خالی اشک می‌ریزد و غذا می‌خواهد، مادر می‌گوید برایت لباس دوخته‌ام و پدر مژده می‌دهد که دارم برایت دوچرخه می‌خرم! اما این‌ها جای خالی ناهار را پر نمی کند! به مردمی که وعده عدالت و برابری و آزادی و رفاه داده‌ایم، نمی‌شود گفت که در نانوتکنولوژی پیشرفت کرده‌ایم!

بهنام صمدی | خبرنگار اقتصادی
@behnamsamadi_ir

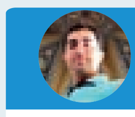

پس از ۶ ماه تابلوی بورس یکپارچه سبزپوش شد هر مقام دولتی یا نماینده مجلسی که علیه بازار سرمایه جمله‌ای بگوید یا اقدامی انجام دهد قطعا در حق معیشت مردم جفا کرده است.

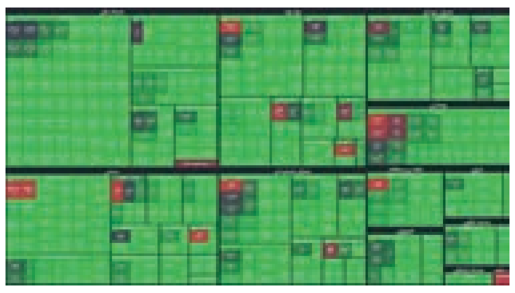

یونس شکرخواه | دکتری ارتباطات
@YounesShokrkhah

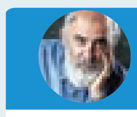

ارتباط مؤثر، همراهی با میل دیگران نیست. همگامی با لیاقت آن‌هاست.
#ارتباطات_میانفردی

سعید ارکان‌زاده یزدی | مدیرمسئول مجله بازخورد
@saeed_arkan

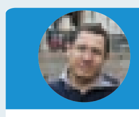

قبلا روزنامه نگاری را می شد با قلم و دفترچه و واکمن پیش برد. الان می‌گویند دوران چندرسانه‌ای فرارسیده و روزنامه‌نگار باید جعبه ابزارش پر باشد و با انواع نرم افزارها و مدیوم ها آشنا باشد. بسیار خب، اما روزنامه‌نگاری چندرسانه‌ای تجهیزات می‌خواهد. تجهیزات را هم باید با پول خرید.

مهدیه کردی | خبرنگار بازار سرمایه
@mahdiehkordi

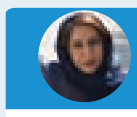

مثبت‌های امروز خیلی دل‌نشین بود، ولی هنوز خیلی مونده تا ضرروزیان این چندماه جبران بشه. دلواپسان عزیز و سیاسیون محترم، خواهشا یه مدت کاری به بورس نداشته باشید و فقط روی قیمت گوشت و مرغ و میوه شب عید تمرکز کنید، برای ما کفایت می‌کنه. #بورس #بازارسرمایه

سوژه روز

تخریب خانه خالق همسایه‌ها!

خانه پدری احمد محمود در اهواز به‌طور کامل تخریب شد

محمدناصر حق‌خواه
Mn.haghkhah@shahraranews.ir

از رسوم جالبی که سال‌هاست در کشورهای دیگر با غلظت و شدت زیادی دنبال می‌شود، نگهداشتن خانه مشاهیر گذشته آن کشورها به همان صورتی که آنان پس از مرگ آن را ترک کرده‌اند و تبدیل این خانه‌ها به خانه‌موزه‌هاست. البته که این اتفاق درباره خانه‌های کودکی و نوجوانی و اتاق کار خیلی از مشاهیر هم می‌افتد. این رسم تا حدی دقیق است که مثلا اتاق کار آلبرت انیشتین در دانشگاه از همان روز مرگش تا همین امروز هیچ تغییری نکرده است و حتی جای وسایل شخصی او مانند عینکش به همان شکلی است که در ساعات آخر عمرش آن را روی میز گذاشته است. این کار علاوه بر گرامیداشت یاد آن فرد سرشناس و ارج‌نهادن به مقام او و آشناکردن نسل‌های بعدی و مردم کشورهای دیگر با یک فرد تأثیرگذار، از نظر گردشگری و درآمدزایی هم به دولت‌ها کمک می کند. این رسم در کشور ما هم چندسالی است که با شدت و ضعف دنبال می‌شود و خانه بعضی مشاهیر به خانه‌موزه تبدیل می‌شود یا خانه کودکی‌های آنان ترمیم و بازسازی می‌شود. اما در همین صفحه چندباری از تخریب خانه افراد سرشناس بدون توجه به ارزش معنوی و گاهی هم ارزش تاریخی و معماری آن نوشته‌ایم. آخرین دفعه خردادماه امسال بود که شاهد تخریب خانه پرویز مشکاتیان در نیشابور بودیم. اتفاقی در آن زمان با انتقادهای بسیاری از طرف کارشناسان و کاربران فضای مجازی همراه بود. پرویز مشکاتیان به پدر سنتور ایران نیز مشهور است و از برجسته‌ترین آهنگسازان و پژوهشگران موسیقی در ایران به شمار می‌آید.

این‌بار هم به بهانه انتشار عکس‌هایی ناراحت‌کننده از تخریب خانه پدری احمد محمود، نویسنده شهیر ایرانی، و واکنش‌های مجازی آن، به این خبر می‌پردازیم. خانه پدری احمد محمود در منطقه سی‌متری اهواز قرار دارد. این منطقه جزو بافت قدیمی و تاریخی اهواز محسوب می‌شود و باتوجه‌به اینکه اهواز تا همین روزها از داشتن موزه محروم است، این خانه می‌توانست برای این کلان‌شهر به اولین موزه تبدیل شود. اما ۲۴بهمن‌ماه، یعنی همین چند روز پیش، مالکان جدید خانه خریداری‌شده احمد محمود آنجا را تخریب کردند. نکته تلخ این است که همه این فرایند با مجوزهای قانونی و اجازه مسئولان مرتبط بوده است. احمد اعطا که برای خود نام ادبی احمد محمود را انتخاب کرده بود، ۴دی ۱۳۱۰ در شهر اهواز به دنیا آمد و ۱۲مهر ۱۳۸۱ در تهران از دنیا رفت. معروف‌ترین رمان او «همسایه»هاست که به‌احتمال زیاد خیلی از شما با آن آشنا هستید و «زمین سوخته» و «مدار صفر درجه» و «داستان یک شهر» از دیگر آثار مهم اوست. پس از تخریب خانه پدری احمد محمود، علی اعطا، سخنگوی شورای شهر تهران، در رشته توئیتی نوشت: «خانه پدری احمد محمود در اهواز که در کمال ناباوری تخریب شد، لوکیشن اولین رمان دفاع مقدس بود. وقایع رمان زمین سوخته که وقایع ۳ماه نخست جنگ را روایت می کند، در این خانه اتفاق افتاده است. در پیشانی کتاب، نویسنده می‌نویسد: به‌یاد برادرم محمد که شهید شد. آثاری از لحظه شهادت برادر نویسنده در سال ۵۹ که در رمان نیز توصیف شده است، بر ورودی خانه هنوز پابرجا بود. خانه‌ای که تخریب شد، یک مکان رویداد بود. می‌شد که این خانه تملک شود و به‌عنوان مرکزی فرهنگی در دسترس همگان قرار گیرد. می‌شد میراث فرهنگی به‌موجب مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، آن را ثبت کند.»

حالا این خانه که نه‌تنها به‌دلیل زندگی یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان تاریخ معاصر ایران، که به‌دلیل اهمیت مکانی آن هم می‌شد نگهداری و بازسازی شود و به یک مکان مهم فرهنگی تبدیل شود، تخریب شده است و اثری از آن باقی نیست. به‌احتمال این آخرین خبر مشابه نیست و اتفاقات تلخ این‌چنینی بازهم در کمال ناباوری خواهد افتاد، اما چیزی که مشخص است، امثال این مشاهیر در کشور ما انگشت‌شمارند و این فرصت‌ها محدود!

سودوکو شماره ۳۳

۴	۵						۹	۲
۹		۳	۵					
	۱			۹			۷	
۳	۴	۶				۵		
		۲	۴					
		۹	۳			۸		۱
۷	۳				۹	۶		۴
۸							۵	
	۹		۶	۵		۷	۱	

پاسخ شماره ۳۳

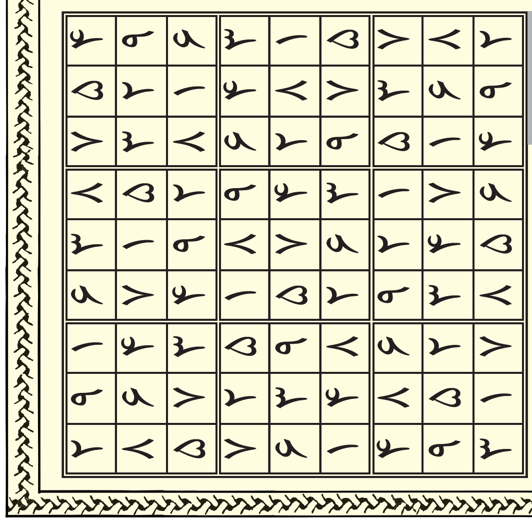

جدول شماره: ۳۱۴۲

طراح: محمدرضا علیزاده

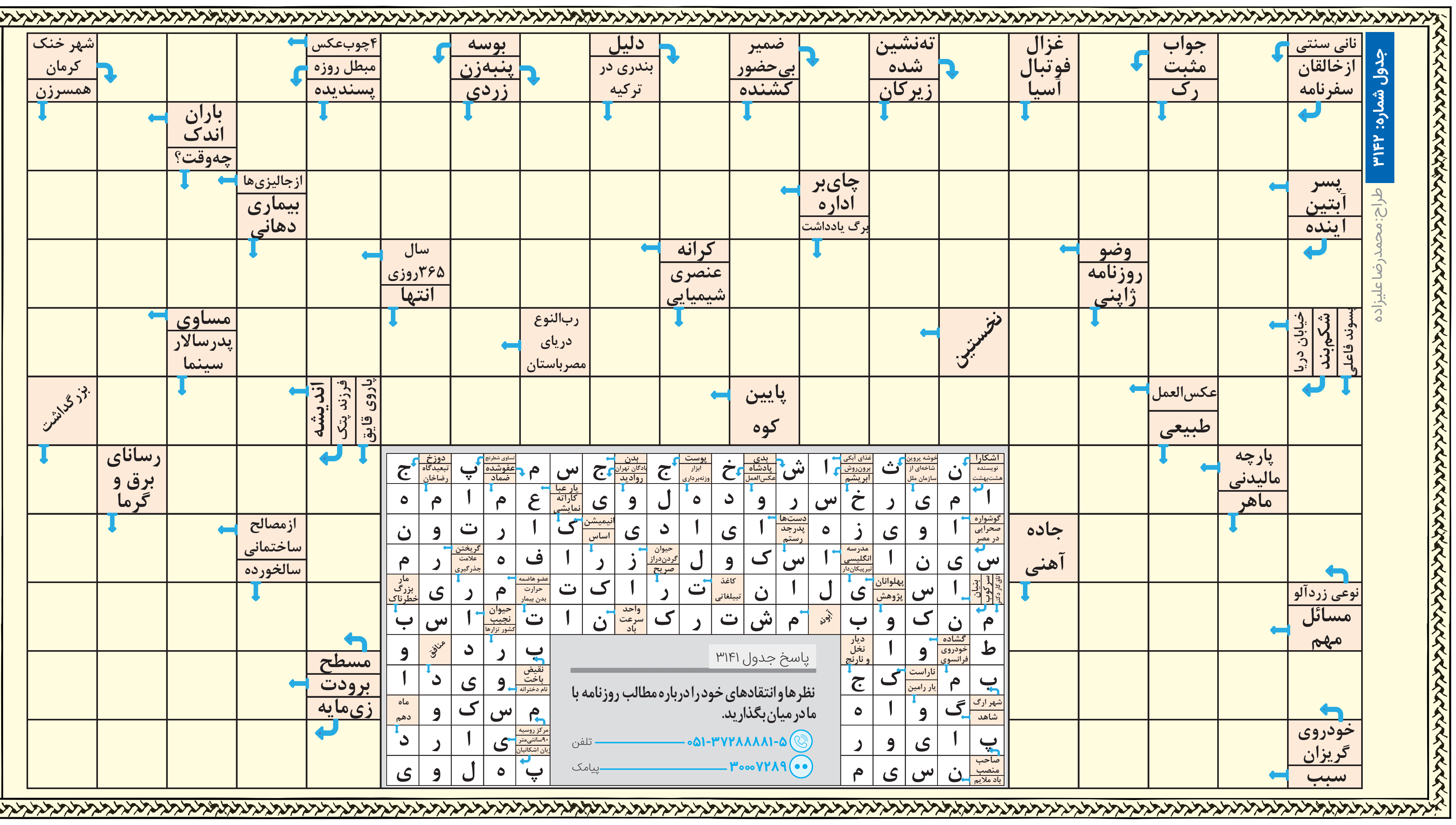

پاسخ جدول ۳۱۴۱

نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.

تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹